

آواز

محمد ضیاء باری علی نودی

انتشارات دہسرا

سرنشنامه	صابری، محمد رضا.
عنوان و نام پدیدآور	آوار / نویسنده صابری.
مشخصات نشر	رشت، دهسرا، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری	۱۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷-۰۶۲-۰
وضعیت فهرست نویسی	۲۵۰۰۰ ریال
موضوع	آلبا
رده بندی کنگره	داستانهای فارسی -- قرن ۱۳
رده بندی دیویی	۸۱۳۷: ۲۸۱۲ / الف / PIR ۸۱۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۳ / ۶۲
	۱۵۲۷۲۲۶

• نام کتاب :	آوار
• مؤلف :	محمد رضا صابری علی لودهی
• ناشر :	انتشارات دهسرا
• تلفن :	۰۳۱-۲۲۳۰۹۷۱ • تلفکس : ۰۳۱-۲۲۴۱۹۷۱
• همراه :	۰۹۱۱-۱۳۱-۵۰۱۱ «رشت - خ لاکانی - مجتمع کاسپین»
• حروفچینی :	هلو والدیش ۰۳۱-۲۲۳۵۱۹۵
• ویراستار :	محمد بشرا (درویش گیلانی)
• خطاط :	استاد خلیل حبیب زاده
• عکاس :	کامبیز قلی لیا (بربین)
• طرح جلد :	امید ژاله
• نوبت چاپ :	چاپ اول
• تاریخ انتشار :	سال ۱۳۸۸
• شمارگان :	۳۰۰۰ جلد
• تعداد صفحات :	۱۴۴ صفحه
• قطع :	وزیری
• لیتوگرافی :	همراهان ۰۳۱-۳۲۲۹۰۰۳
• چاپ و صحافی :	چاپ توکل ۰۱۸۲۳۲۲۲۸۱۰
• شماره استاندارد بین المللی کتاب :	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷-۰۶۲-۰
• ISBN :	978-964-197-062-0
• قیمت در سراسر کشور :	۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق قانونی و شرعی برای مؤلف و ناشر محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق تکثیر تمام یا قسمتی از این اثر را به صورت حروفچینی، فتوکپی، چاپ افست (چاپ مجدد) و انواع دیگر چاپ را ندارد و متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲، قانون حمایت از مؤلفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

مقدمه‌ای از نویسنده

داستانی را که می‌خوانید تا حدود زیادی حقیقت دارد. در مسیر پرنشیب و فراز زندگی گاهی اوقات اتفاقاتی می‌افتد که باورش غیرممکن بنظر می‌رسد ولی همان‌طور که بدی هست خوبی هم زنده و پایدار است. آدمهایی هستند که بدون هیچ ادعایی به دیگران عشق می‌ورزند و به آنها کمک می‌رسانند. اشخاصی هستند که در طول زندگی همیشه با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند و تا فرصتی دست می‌دهد که بتوانند آسایشی داشته باشند، مشکلات هم چون آواری بر سر آنان فرود می‌آید. شاید در طول زندگی هرکس یک بار سیل، طوفان، زلزله را تجربه کند و گاهی هیچ وقت با آن روبرو نشود، اما بعضی‌ها هر روز و شب در زیر آوار سختی‌ها نای نفس کشیدن ندارند. ولی برای رسیدن به هدف باید دل به دریا زد، نباید ترسید. آدمی به آنچه که می‌اندیشد خواهد رسید، فقط اراده مهم است.

من در طول عمر خود همیشه با عشق زندگی کرده‌ام و با عشق زندگی خواهم کرد و با عشق خواهم مُرد.

من در ذره ذره‌های عالم هستی، خدای بی‌همتا را می‌بینم و هر چه را که او آفریده دوست دارم.

بدلیل مشکلات زندگی، تا به امروز نتوانستم دست نوشته‌های احساسم را به محضر شما هموطنان گرامی برسانم. امیدوارم اگر این داستان مورد قبول شما عزیزان خواننده قرار بگیرد، داستان بعدی که در حال نوشتنش هستم پربارتر، تقدیمتان گردد. با قضاوت و تشویق شما، چون کودکی، قدمهای بعدی را برمی‌دارم.

من عاشق خدمت به مردم، بخصوص اقشار مستمند هستم. در خون و رگم، احساس پاک یک پرستار است.

این حقیر بعنوان کوچکترین فرد جامعه‌ی پرستاری، برخود وظیفه می‌دانم که هم چون همکاران سخت کوشم یک گوشه‌ای را به دست بگیرم. در مقابل محبت‌های این قشر زحمتکش، بنده، قطره‌ای در مقابل دریایم. جامعه‌ی پرستاری، حضرت زینب (ع) را الگوی رفتاری خود قرار داده است، پس من نیز به او اقتدا می‌کنم.

محمدرضا صابری علی نوده‌هی

به پاس زحمات تمامی پرستاران، این داستان را به
سپیدجامگان سبزاندیش و همسر عزیزم تقدیم می‌کنم.
از جناب آقای دکتر حسین اتحاد که در چاپ این کتاب،
یاری رساندند، سپاس گزارم. همچنین از آقای محمد
بشرا، محقق و نویسنده‌ی گرامی بخاطر ویرایش این
کتاب تشکر ویژه دارم.
از طرفی باید ممنون مادر و خواهران مهربانم باشم که
همیشه یار و یاورم بودند.

ممد رضا صابری